



10.48315/QGL.2025.554061.1283

فصلنامه «دولت و حقوق»، سال ششم، شماره دوم (پیاپی ۲۰)، تابستان ۱۴۰۴، صص. ۶۲-۴۳

افتراقی شدن قاچاق کالا و ارز در سیاست کیفری تقنینی ایران

سید مسعود حسینی*

سید مهدی منصوری**

محمد حسین جعفری***

نوع مقاله: علمی- پژوهشی

چکیده

سیاست کیفری تقنینی ایران در قبال قاچاق کالا و ارز براساس رویکردی افتراقی در جرم‌انگاری و کیفرگذاری شکل گرفته است. این رویکرد با تفکیک میان جرم و تخلف، توسعه دامنه جرم‌انگاری، احاله به قوانین خاص و جرم‌انگاری قاچاق سازمان‌یافته، ساختاری ویژه برای مواجهه با این پدیده فراهم کرده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی قوانین، مقررات و آرای مرتبط انجام شده است. در فرآیند تحلیل، ابتدا سیر تحول قانون‌گذاری و مبانی افتراقی‌سازی در حوزه قاچاق تبیین شده، سپس نحوه اعمال معیارهایی چون سازمان‌یافتگی، نوع کالا و میزان ارزش اقتصادی در تعیین کیفرها مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد قانون‌گذار از معیار سازمان‌یافتگی برای تشدید مجازات و از توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی برای افزایش بازدارندگی و تضمین عدالت کیفری بهره گرفته است. همچنین با محدود کردن نهادهای ارفاقی کیفری مانند تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم و مرور زمان، سیاستی سخت‌گیرانه در قبال جرایم قاچاق اتخاذ کرده است. با وجود این، کاستی‌هایی نظیر اجرای ناقص مقررات، تداخل صلاحیت‌های نهادی و نبود هماهنگی میان مراجع اجرایی و قضایی، کارآمدی سیاست افتراقی را کاهش داده است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود ضمن حفظ چارچوب افتراقی در جرم‌انگاری و کیفرگذاری، اصلاحاتی در نظام نظارت و اجرای احکام صورت گیرد تا اثربخشی بازدارندگی و تحقق عدالت کیفری در مقابله با قاچاق کالا و ارز تقویت شود.

واژگان کلیدی

سیاست کیفری افتراقی، قاچاق کالا و ارز، جرم‌انگاری، کیفرگذاری.

* گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

seyedmasoud.hosseini@iaau.ac.ir

** استادیار گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول).

seyedmehdi.mansouri404@iaau.ac.ir

mohammadhossein.jafari@iaau.ac.ir

*** استادیار گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

مقدمه

قاچاق کالا و ارز یکی از چالش‌های جدی اقتصادی، اجتماعی و امنیتی در ایران محسوب می‌شود که تأثیرات منفی گسترده‌ای بر تولید ملی، اشتغال‌زایی، امنیت اقتصادی و ثبات بازارهای مالی دارد. در راستای مقابله با این پدیده، سیاست کیفری تقنینی ایران به سمت جرم‌انگاری و کیفرگذاری افتراقی حرکت کرده است. این سیاست، با توجه به میزان سازمان‌یافتگی جرایم قاچاق، تفکیک میان جرم و تخلف، توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و ممنوعیت اعمال نهادهای ارفاقی کیفری، چارچوبی دقیق و منسجم را برای برخورد با مرتکبان این جرایم ارائه می‌دهد.

حقوق کیفری نوین بر پایه یک سلسله اصول کلی، با توجه به زمینه‌ها و نیازهای احتمالی اقتصادی و فرهنگی جوامع، اقدام به جرم‌انگاری و کیفرگذاری کرده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۵۳). این اصول، مطلق و غیرقابل انعطاف و براساس بایدهای آرمانی قلمداد می‌شوند، به گونه‌ای که اصول‌گرایی کیفری کلاسیک، نقطه اوج تحولات حقوق کیفری به شمار می‌آید. به مرور و با توجه به پیچیده شدن جوامع و فنی و تخصصی شدن رفتارهای مجرمانه، اصول‌گرایی کیفری با چالش مواجه گردید. زیرا در راستای هدفمندسازی نظام عدالت کیفری و تقویت کارآیی سیاست جنایی، نمی‌توان نسبت به منطقی و متناسب نمودن فرایند رسیدگی و واکنش علیه جرم و مجرم بی‌توجه بود؛ چراکه فقدان آن می‌تواند در مشروعیت و کارآمدی نظام عدالت کیفری تردیدهای جدی وارد کند (بهرمند و ساکیانی، ۱۴۰۰: ۱۱۷). بنابراین، با متنوع شدن جرایم بزهکاران و بزه‌دیدگان، حقوق کیفری باید به‌دنبال متنوع کردن راهبردها و پاسخ‌های کیفری باشد. بدین سان، افتراقی شدن حقوق کیفری ماهوی در پهنه تحول اصول و راهبردهای سیاست جنایی، ضرورتی غیرقابل اجتناب به نظر می‌رسد.

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی آن، نمونه‌ای از این رویکرد افتراقی است که براساس اصول جرم‌شناختی و سیاست کیفری تنظیم شده است. با این حال، در اجرای این سیاست چالش‌هایی نظیر تداخل صلاحیت‌ها، ضعف در نظارت بر اجرای قوانین و مشکلات در هماهنگی میان نهادهای مرتبط مشاهده می‌شود. از این رو، ضرورت دارد ضمن بررسی مبانی نظری و اصول افتراقی‌سازی جرم قاچاق کالا و ارز، چالش‌های موجود شناسایی و راهکارهای اصلاحی ارائه شود.

۱. جرم‌انگاری افتراقی

قانون‌گذار با تمرکز بر قاچاق کالا و ارز به دنبال یافتن سیاست ویژه و افتراقی هم در بعد ماهوی و هم در بعد شکلی در برخورد با این پدیده است. در این قسمت به ابعاد ماهوی در سیاست کیفری در قبال پدیده قاچاق کالا و ارز با محوریت جرم‌انگاری افتراقی خواهیم پرداخت.

۱-۱. توسعه جرم‌انگاری

مسئله اصلی در قاچاق، ورود و خروج غیر قانونی از کشور بدون پرداخت حقوق و عوارض آن یا بدون اخذ مجوزهای قانونی دیگر است. صرف نظر از تردیدهایی که می‌توان در مورد محل کشف کالای قاچاق و امکان تحقق قاچاق در سطح عرضه مطرح نمود، شاهد آن هستیم که بر خلاف اصل حداقل بودن حقوق کیفری، توسعه مصادیق قاچاق (جرم‌انگاری) و ایجاد جرایم مرتبط و تسری قاچاق به برخی از تخلفات غیرعمدی تجار و مدیران شرکت‌های حمل و نقل قانون مبارزه با قاچاق را دچار تورم کیفری نموده است. حتی برخی از مصادیقی که در قوانین دیگر از جمله قانون امور گمرکی در زمره تخلف گمرکی قلمداد شده بود، به‌عنوان مصادیق جرم قاچاق ذکر گردیده که بروز مشکل در حوزه تجارت خارجی را دوجندان نموده است. در این زمینه می‌توان به مصادیق مذکور در بندهای (الف)، (ب)، (ت)، (ث)، (ج)، (چ) و (ذ) ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اشاره نمود. علاوه بر قاچاق، جرم‌انگاری‌های دیگری نیز در این قانون صورت گرفته است (پاک‌نیت، ۱۳۹۸: ۶۱۳).

علی‌الاصول جرم‌انگاری‌ها ناظر به افعال مثبت است و ترک فعل جز در موارد معدودی به‌عنوان رفتار مجرمانه لحاظ نمی‌شود؛ زیرا هیچ‌کس را به‌خاطر فعلی که مرتکب نشده است، نباید مجازات نمود. با این وجود، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز عدم اقدام بازدارنده توسط مالک و وسیله نقلیه یا محل نگهداری را نسبت به استفاده اشخاص دیگر از آنها در قاچاق کالا و ارز جرم‌انگاری نموده است و علاوه بر حداقل مجازات مرتکب، وسیله نقلیه ایشان ضبط و محل نگهداری توقیف و پلمپ می‌شود (ماده ۶۵). به علاوه، عدم پاسخگویی ظرف ۲۰ روز از تاریخ وصول استعلام صورت گرفته از مسئولان مستقیم دستگاه‌های کاشف و مأمور وصول درآمدهای دولت و سایر مراجعی که مورد خطاب کتبی مرجع رسیدگی کننده یا دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت قرار می‌گیرند نیز جرم‌انگاری شده است (ماده ۷۴). همچنین مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق از تعقیب مرتکبان خودداری یا برخلاف قوانین و مقررات عمل نمایند، در حکم مختلس محسوب و به مجازات مقرر برای مختلسین اموال دولتی محکوم می‌گردند؛ مگر آن‌که عمل مرتکب به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به مجازات شدیدتر محکوم می‌-

شوند^۱ (تبصره ۱ ماده ۳۵).

۲-۱. تفکیک یا عدم تفکیک جرم و تخلف

ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بدون ارائه ملاک مشخص، به تفکیک تخلف از جرم مبادرت ورزیده و صلاحیت رسیدگی به تخلف قاچاق را به سازمان تعزیرات حکومتی و صلاحیت رسیدگی به جرم قاچاق را به دادگاه انقلاب واگذار کرده است. به عبارت دیگر قانونگذار صرفاً مرجع رسیدگی را ملاک شناسایی تخلف از جرم قرار داده است. شاید فرض قانونگذار این بوده که پرونده‌های سبک‌تر در شعب سازمان تعزیرات رسیدگی شود و پرونده‌های سنگین‌تر در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب باشد. به این ترتیب رسیدگی به پرونده قاچاق کالاهای مجاز، مجاز مشروط و یارانه‌ای در صلاحیت شعب تعزیرات و رسیدگی به پرونده‌های کالاهای ممنوع و... در صلاحیت دادگاه انقلاب است.

جالب اینکه در بسیاری از پرونده‌های قاچاق کالای مجاز و مجاز مشروط، ممکن است جریمه‌هایی بسیار سنگین‌تر از قاچاق کالای ممنوع وضع شود. جالب‌تر اینکه کالاهای سلامت‌محور دارو، مکمل‌ها، ملزومات و تجهیزات پزشکی مواد و فرآورده‌های خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی به‌رغم اینکه مجاز مشروط به‌شمار می‌آید، مطابق بند «ب» ماده ۲۷ قانون در صورت عدم توفیق در اخذ مجوزهای بهداشتی و درمانی، کالای ممنوع و در نتیجه «جرم» تلقی شده و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار می‌گیرد. در واقع قانونگذار برای جلب نظر موافق شورای نگهبان، صلاحیت‌های واگذاری به سازمان تعزیرات را تحت عنوان تخلف مطرح کرده است تا در معرض ایراد عدم انطباق با قانون اساسی قرار نگیرد؛ زیرا در بسیاری از موارد جزای نقدی چند صد میلیونی یا میلیاردی که توسط شعب سازمان تعزیرات حکومتی صادر می‌شود در قیاس با بسیاری از جرایم شدیدتر است (پاک‌نیت، ۱۳۹۸: ۶۱۵).

شاید به همین دلیل سایر آثار تفکیک جرم و تخلف توسط قانونگذار مسکوت مانده و حواله دادن به ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری نیز نمونه بارز تلاش قانونگذار برای رهایی از سردرگمی در اتخاذ یک سیاست کیفری منسجم در قبال قاچاق است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و علی‌رغم ظاهر ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز،

۱. نظریه شماره ۳۳۶۱/۹۴/۷ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه؛ نظر به این که ارکان تشکیل‌دهنده بزه‌های ارتشاء و اختلاس متفاوت است، در صورتی که مأمورین علاوه بر خودداری از تعقیب قاچاقچیان، وجوهی از آنان اخذ نمایند، مرتکب دو فعل جداگانه شده اند، بنابراین هم از حیث موضوع تبصره ۱ ماده ۳۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مستحق تعقیب از حیث اخذ رشوه...

به نظر می‌رسد ذکر عنوان تخلف برای عناوین اتهامی در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی با هدف تفکیک جرم از تخلف صورت نگرفته است. به اهم دلایل این ادعا در ادامه اشاره می‌شود:

۱. به موجب ماده ۷ از فصل دوم قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ جرم از حیث شدت و ضعف مجازات‌ها به جنایت، جنحه مهم، جنحه کوچک (تقصیر و خلاف) تقسیم شده است. فلذا تخلف خود نوعی از جرم اما از نوع خفیف آن در نظام کیفری به حساب می‌آید. در واقع در قانون مذکور و اصلاحیه مصوب ۱۳۵۲ جرایم از حیث شدت و ضعف مجازات به سه نوع جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می‌شد.

۲. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم را عبارت از هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده، تعریف نموده است. فلذا تخلفات متعدد مذکور در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی تعیین و به موجب مواد قانونی برای آن مجازات اعم از جزای نقدی، ضبط «کالا» و «خودرو»، مصادره اموال و برخی مجازات‌های تکمیلی و تنمیمی دیگر مشخص و معین گردیده، در زمره جرایم به حساب می‌آید.

۳. حسب بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی ناظر به بند ج ماده ۴۷ و همچنین بند خ ماده ۳۶ از قانون مجازات اسلامی، قاچاق کالا و ارز صرف نظر از نوع کالا یا طریقه ارتکاب آن به عنوان «جرم اقتصادی» محسوب گردیده و به تبع آن با رعایت مبلغ مذکور در تبصره ماده ۳۶ قانون اخیرالذکر مشمول الزام انتشار در رسانه ملی و روزنامه‌های کثیرالانتشار بوده و از شمول مقررات مرور زمان تعقیب صدور حکم و اجرای مجازات خارج می‌باشند.

۴. ماده ۵۷ از فصل دهم قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که مربوط به مقررات عمومی می‌باشد، قاچاق کالا و ارز را از مصادیق جرائم اقتصادی محسوب نموده است.

۵. ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که براساس نظر برخی و روسای شعب رسیدگی کننده و با استناد به ظاهر ماده قانونی مذکور معتقد به خروج عنوان تخلف از ذیل عنوان

۱. یک قاعده عقلی، شرعی و منطقی وجود دارد که مجازات بر مرتکب بزه اعمال می‌شود. به عبارتی، مجازات قائم به شخص مرتکب است. از این رو مالک وسیله نقلیه‌ای که خود، حامل کالای قاچاق نبوده و از حمل کالای قاچاق توسط دیگری علم و اطلاعی نداشته باشد، مسوولیتی ندارد. لذا، توقیف وسیله نقلیه وی و متعاقباً ضبط آن به جهت عدم پرداخت جریمه نقدی دیگری، فاقد وجهت قانونی است. مستند قانونی آن مفهوم ماده ۶۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. در این مستند قانونی، شرط مسوولیت مالک وسیله نقلیه، علم و اطلاع وی هست. ضمن اینکه توقیف وسیله نقلیه نامبرده به لحاظ معاونت در بزه قاچاق است.

جرم می‌باشند (پاک‌نیت، ۱۳۹۸: ۶۱۵). این ماده، به‌عنوان اولین ماده قانونی در فصل هشتم از قانون اخیرالذکر با عنوان مراجع صالح رسیدگی به «جرم قاچاق» آورده شده است.

۶. به‌موجب ماده ۱۶۹ از فصل دهم این قانون که باز هم مربوط به مقررات عمومی می‌باشد با توجه به شرایط، نحوه، دفعات ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب، وی را علاوه بر مجازات اصلی، مشمول مجازات‌های تکمیلی مذکور در این ماده دانسته است که با لحاظ صراحت ذکر ارتکاب جرم و نه تخلف در صورت اعتقاد به تفکیک تخلف از جرم، تکالیف مقرر در این ماده شامل محکومان سازمان تعزیرات حکومتی نخواهد بود.

۷. بند س از ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در تعریف قاچاق سازمان‌یافته، آن را جرمی که با برنامه‌ریزی و هدایت گروهی و تقسیم کار توسط یک گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم قاچاق تشکیل یا پس از تشکیل هدف آن برای ارتکاب جرم قاچاق منحرف شده، تعریف نموده است. ماده ۴۴ از قانون اخیرالذکر قاچاق کالا و ارز سازمان یافته را در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب می‌داند.

۸. بند ب ماده ۲۷ قاچاق کالای مکشوفه شامل مواد و فرآورده‌های خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی که موفق به اخذ مجوزهای بهداشتی و درمانی در خصوص مصرف انسانی گردند، به‌عنوان جرم قاچاق مشمول مجازات مندرج در بند ب ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز دانسته است؛ در صورتی که کالای مذکور با عنوان کالای مجاز مشروط و به‌عنوان جرم در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی می‌باشد.

۹. صدر تا ذیل ماده ۳۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز پیرامون جرم قاچاق کالا و ارز می‌باشد و تفکیکی از حیث تخلف یا جرم صورت نگرفته است.

۱۰. تبصره ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که راجع به تکالیف صلاحیتی سازمان تعزیرات حکومتی می‌باشد، کلیه عناوین اتهامی موضوع این قانون را تحت عنوان جرم مطرح نموده و مقرر می‌دارد: «... در صورتی که پس از ارجاع پرونده به سازمان تعزیرات حکومتی و انجام تحقیقات محرز شود جرم ارتكابی در صلاحیت مرجع قضایی است شعبه مرجوع الیه مکلف است بلافاصله قرار عدم صلاحیت خود را صادر کند». مفهوم مخالف آن این است چنانچه جرم ارتكابی در صلاحیت شعب سازمان تعزیرات حکومتی باشد، خود رأساً رسیدگی می‌نماید.

۱۱. مهم‌تر این که ماده ۷۲ این قانون که راجع به موارد همکاری مرتکبین قاچاق کالا و ارز در کشف و ضبط کالا و ارز یا دستگیری سرشبه‌های قاچاق و سایر متهمان می‌باشد و برای

آنان علی‌رغم نص صریح ماده ۷۱ دائر به ممنوعیت اعمال تخفیف و تعلیق جزای نقدی و همچنین ممنوعیت تعلیق مجازات حبس و شلاق در جرائم قاچاق کالاهای ممنوعه حرفه-ای و سازمان‌یافته شرایط معافیت از مجازات یا تخفیف آن را پیش‌بینی نموده است، صراحتاً اشاره به مرتکبان جرایم موضوع این قانون دارد که به‌نظر شامل هر دو مورد اعم از نوع خفیف آن یعنی تخلف و نوع شدید آن یعنی جرم در صلاحیت مراجع قضایی می-باشد.

۳-۱. احاله در جرم‌انگاری

احاله در جرم‌انگاری به مفهوم واگذاری صلاحیت جرم‌انگاری و تعقیب جرم به قانون‌گذار یا نهاد قضایی دیگر است. این مفهوم در زمینه‌های مختلف حقوق کیفری کاربرد دارد و به‌نوعی تقسیم‌بندی صلاحیت‌ها و وظایف بین مراجع مختلف را ممکن می‌سازد. احاله می‌تواند به‌صورت داخلی (بین نهادهای یک کشور) یا بین‌المللی (بین کشورها) صورت گیرد. با تصویب قانون در رابطه با جرایم جدید، رفتارهای بیشتری وارد حوزه مسئولیت کیفری می‌گردد. در برخی اشکال جرم‌انگاری، از گذر کاربست اقسام و گونه‌های مختلف تکنیک ارجاع کیفری در باب شناسایی بزه، تعیین کیفر و همچنین برگزیدن وصف و عنوان کیفری، شهروندان و کنشگران نظام قضایی به متون کیفری یا غیرکیفری متعدد ارجاع داده می‌شوند. آگاهی‌بخشی به افراد در خصوص نحوه رفتار و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی، یکی از اهداف قانون‌گذاری است که این هدف در پرتو به‌کارگیری ارجاع کیفری بدون رعایت قواعد، اصول و بایسته‌های تقنین، تضعیف خواهد گردید (میرمحمدصادقی و لکی، ۱۳۹۸: ۲۵۵).

واگذاری کیفر به قانونی دیگر توسط قانون‌گذار را حواله کیفری خوانده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۹: ۳). از فن ارجاع کیفری به «روش مجازات احاله‌ای» نیز تعبیر شده و در تعریف آمده است: «منظور از مجازات احاله‌ای این است که قانون‌گذار جرایم جدیدی را مثل جرایم مربوط به قاچاق کالا و ارز، بورس اوراق بهادار، پولشویی و... تعریف می‌کند و مجازات آن‌ها را به قانونی دیگر احاله می‌دهد» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۲۵۹۹). در تعاریف فوق، از ارجاع به‌عنوان یکی از فنون قانون‌گذاری یاد شده و ناظر به مرحله کیفرگذاری است؛ بدین ترتیب صرفاً یکی از اقسام ارجاع را دربر می‌گیرد. ارجاع کیفری عبارت است از یک شیوه قانون‌گذاری در امر جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری از رهگذر وا گذاشتن عنصر مادی یا کیفر به متن قانونی یا فراقانونی دیگر و یا به‌کارگیری عنوان مجرمانه از پیش تعیین شده برای جرم جدید. در جرایم سنتی معمولاً شرایط و اجزای عنصر مادی جرم در قانون مجازات مشخص می‌شود.

لیکن در جرایمی چون قاچاق تبیین این شرایط برای قانون‌گذار دشوار است و به همین خاطر از فن احاله در جرم‌انگاری استفاده می‌شود. به این صورت که قانون‌گذار به متن دیگر غیر کیفری که نقض آن با ضمانت اجرای کیفری مجازات می‌شود، اکتفا می‌کند (پاک‌نیت، ۱۳۹۸: ۶۱۴). در قانون مبارزه قاچاق کالا و ارز نیز عدم رعایت ضوابط و تشریفات تعیین شده از سوی دولت که هر لحظه ممکن است در قالب دستور یا تصویب‌نامه یا آیین‌نامه‌ای تغییر یابد در قاچاق محسوب شدن یا نشدن کالا یا ارز نقش تعیین‌کننده دارد. بدیهی است که چنین امری با ویژگی صریح بودن قانون کیفری سازگار نیست و تحقق جرم را همواره غیر قابل پیش‌بینی و مبهم می‌سازد.

با این اوصاف، احاله در جرم‌انگاری یک ابزار مهم حقوقی است که به تقسیم‌بندی و توزیع صلاحیت‌ها بین نهادهای قضایی مختلف کمک می‌کند. این ابزار می‌تواند به اجرای عدالت و کارآمدی نظام قضایی کمک کند، اما در عین حال با چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز مواجه است که نیازمند توجه و بررسی دقیق حقوقی و قضایی است.

۴-۱. جرم‌انگاری قاچاق سازمان‌یافته

جرم‌انگاری قاچاق سازمان‌یافته به‌عنوان یکی از راهکارهای کلیدی در سیاست کیفری تقنینی ماهوی، ابزاری مؤثر برای مبارزه با قاچاق کالا و ارز محسوب می‌شود. این راهکار با تمرکز بر شبکه‌ها و گروه‌های سازمان‌یافته که قاچاق را به‌صورت نظام‌مند (سیستماتیک) و گسترده انجام می‌دهند، طراحی شده است تا با استفاده از قوانین کیفری سختگیرانه‌تر و هدفمندتر، آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی ناشی از قاچاق را کاهش دهد.

قانون‌گذار اقدام به تفکیک مصادیق جرم و تخلف قاچاق از یکدیگر نموده و قاچاق را در پنج حالت مشمول عنوان جرم می‌داند که یکی از این موارد، قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته است. ضرورت تفکیک جرم از تخلف در مصوبه مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۲۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ پیش‌بینی شده بود. به‌موجب این مصوبه، رؤسای قوای مجریه و قضائیه باید ظرف مدت حداکثر یک سال، لایحه‌ای را برای تعیین تکلیف تعزیرات حکومتی با تفکیک جرایم از تخلفات تهیه و به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌کردند. هرچند تکلیف مذکور تا کنون عملیاتی نشده است، تفکیک جرم از تخلف در ماده ۴۴ قانون مذکور را می‌توان اقدامی در این راستا تبیین نمود.

بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای جرم‌زدایی و قضازدایی سبب شده در خصوص بزه قاچاق، اصل بر تخلف بودن آن باشد و قاچاق به‌عنوان یک رفتار مجرمانه نیاز به توجیه داشته باشد. سازمان‌یافتگی می‌تواند توجه مناسبی برای این موضوع باشد. بر این اساس، مطلق موارد قاچاق

سازمان یافته، صرف نظر از نوع کالای موضوع قاچاق (کالای ممنوع، کالای مجاز مشروط، کالای یارانه‌ای، کالای مجاز یا ارز و ارزش آن) جرم تلقی می‌شود. لازم به ذکر است هرچند در ماده ۴۴، مصادیق جرم و تخلف قاچاق از یکدیگر تفکیک شده است، لیکن جز در موارد استثنایی (مانند صلاحیت مرجع رسیدگی کننده و نوع و میزان مجازات‌ها) تفاوت خاصی بین این دو وجود ندارد و اصولاً قانون‌گذار احکام تخلف قاچاق را همانند جرم قاچاق دانسته و این رویکرد قانون‌گذار محل نقد جدی است که به جهت عدم ارتباط با موضوع این مقاله از توضیح بیشتر آن اجتناب می‌شود (رستمی غازانی و رحمانی فرد، ۱۴۰۰: ۱۴۶).

جرم‌انگاری قاچاق سازمان یافته به عنوان یک راهکار کلیدی در سیاست کیفری تقنینی ماهوی، به دنبال آن است که با تشدید مجازات‌ها، پوشش دادن تمامی افراد دخیل در شبکه‌های قاچاق، مبارزه با پولشویی و ایجاد همکاری‌های بین‌المللی، تأثیرات قاچاق کالا و ارز را کاهش دهد. این رویکرد جامع و سختگیرانه، ضمن پیشگیری از توسعه شبکه‌های قاچاق، به نهادهای قانونی و نظارتی ابزارهای لازم را برای مقابله مؤثرتر با این پدیده پیچیده و فرامرزی ارائه می‌دهد.

۲. کیفرگذاری افتراقی

کیفرگذاری افتراقی به مفهوم تعیین و اجرای مجازات‌های متفاوت برای افراد براساس معیارهای خاص و شرایط متفاوت است. این مفهوم به ایجاد یک سیستم قضایی انعطاف پذیرتر و عادلانه‌تر کمک می‌کند که در آن مجازات‌ها نه تنها براساس نوع جرم، بلکه براساس ویژگی‌های فردی مرتکب جرم، شرایط وقوع جرم و میزان تأثیرگذاری آن تعیین می‌شوند.

قانون‌گذاران کیفری، با اتخاذ سیاست کیفری افتراقی در تعیین میزان ضمانت اجرای کیفری به عنوان یکی از علل مشدده عینی در نظر گرفته‌اند و بر این اساس به تشدید کیفر، رویکرد متفاوتی قائل شدند که در این قسمت به مواردی نظیر تشدید مجازات اشخاص حقوقی، ممنوعیت تخفیف و تعلیق جزای نقدی و تسهیم مجازات جزای نقدی شرکت در قاچاق خواهیم پرداخت.

۲-۱. سازمان یافتگی جرایم قاچاق کالا و ارز معیاری جهت تشدید مجازات

سازمان یافتگی در حقوق کیفری گاهی به عنوان کیفیت مشدده جرم و گاهی به عنوان یک جرم مستقل محسوب می‌شود. در خصوص حالت نخست، می‌توان به ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که ارتکاب جرم توسط گروه مجرمانه سازمان یافته را سبب تشدید مجازات - البته صرفاً در خصوص فرد سردرسته گروه - می‌داند. همچنین ماده ۱۴ قانون قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز نیز به ارتکاب جرم به صورت سازمان یافته و تشدید مجازات مرتکبان اشاره دارد. در خصوص حالت اخیر، می‌توان به جرم موضوع بند الف ماده ۲ قانون مبارزه

با قاچاق انسان، مبنی بر تشکیل یا اداره دسته یا گروه به منظور ارتکاب رفتارهای موضوع ماده ۱ قانون مذکور، اشاره کرد. مقنن ایران نیز از این رویکرد غافل نبوده و همواره در قوانین کیفری عام و خاص علاوه بر تشدید مجازات اصلی مرتکبان این جرایم، وجود برخی کیفیات و معیارها را نظیر سازمان یافته بودن شبکه‌ای و بانندی بودن، سردستگی، مستخدم دولت بودن مرتکب یا جایگاه بالا در ساختار اداری داشتن مرتکب، به علاوه احراز سوء نیت خاص مقابله با نظام را به عنوان توجیه تشدید مجازات بزهکار اقتصادی محسوب نموده است. هرچند در قانون مجازات اسلامی در بخش حقوق کیفری عمومی ماده‌ای به صراحت کیفیات مشدده را در حقوق کیفری ایران بر شمرده است اما در سطح قوانین عام و خاص می‌توان نمونه‌هایی از این رژیم افتراقی را مشاهده کرد (جوانمردی و شفیع‌ی خورشیدی، ۱۴۰۱: ۱۱۴).

در سطح قوانین عام، ماده ۱۳۰ از فصل چهارم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که با عنوان «سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته» نام گذاری شده، مقرر داشته: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد...». در خصوص جرم قاچاق سازمان یافته، برخی بر این نظر هستند که قانون‌گذار سازمان یافتگی را نه به عنوان یک عامل مشدده برای بزه قاچاق، بلکه به عنوان یک جرم مستقل شناسایی کرده است (رحمانی فرد ۱۳۹۷: ۱۳۳؛ میرمحمدصادقی و عدومی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۳۹). پذیرش این دیدگاه با نصوص متعدد مذکور در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مانند مواد ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۹، ۴۴ و ۴۸) که قاچاق کالا و ارز را به عنوان نوع خاصی از بزه قاچاق مطرح می‌کنند، در تعارض است. علاوه بر این، قائل شدن هویت مستقل برای جرم قاچاق سازمان یافته سبب می‌شود احکام مختصه بزه قاچاق کالا و ارز که عمدتاً با رویکرد افتراقی سخت‌گیرانه وضع شده‌اند، بر جرم قاچاق سازمان یافته حاکم نباشد و این جرم برخلاف دیگر مصدایق قاچاق مشمول عمومات سیاست کیفری باشد. قطعاً این امر مطلوب و مراد قانون‌گذار نیست؛ چراکه به قیاس اولویت، قاچاق سازمان یافته باید تابع سیاست کیفری افتراقی سخت‌گیرانه باشد.

از قوانین خاص جدیدالتصویب که «سازمان یافته بودن» را یکی از علل مشدده چه در حقوق کیفری ماهوی و چه در حقوق جزای شکلی محسوب نموده است می‌توان به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۴۰۰ اشاره نمود. در این قانون، ۱۰ مرتبه اصطلاح «سازمان یافته» در مواد مختلف بکار رفته است؛ از جمله در مواد ۲۸ و ۲۷ قاچاق انواع کالا به صورت سازمان یافته علاوه بر جزای نقدی برای مرتکب حبس را نیز به دنبال خواهد داشت. همچنین مطابق ماده ۳۰ همین قانون در صورتی که ارتکاب قاچاق کالا و ارز به صورت انفرادی یا سازمان یافته به

قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثر بودن آن صورت گیرد و منجر به اختلال گسترده در نظام اقتصادی کشور شود، موضوع مشمول قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹ می‌گردد و مرتکب طبق مقررات قانون مزبور مجازات می‌شود.

به‌علاوه ارتکاب قاچاق کالا و ارز به‌صورت سازمان‌یافته در صلاحیت ذاتی مرجع رسیدگی‌کننده تاثیر می‌گذارد؛ مطابق ماده ۴۴ قانون یاد شده رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. همچنین حبس و ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز توسط شخص حقوقی اگر به‌صورت سازمان‌یافته باشد، موجبات انحلال شخص حقوقی را به‌موجب بند ب ماده ۶۷ این قانون رقم خواهد زد. به‌علاوه سازمان‌یافته بودن این جرم بر پایه ماده ۷۱ همین قانون باعث محرومیت مرتکب از تعلیق مجازات حبس و شلاق خواهد شد.

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تشدید مجازات از یک سو ناظر به هر یک از اعضای گروه سازمان‌یافته و از سوی دیگر ناظر به اشخاصی است که نقش سازمان‌دهی، هدایت و سردستگی را بر عهده دارند. بر این اساس، در خصوص قاچاق سازمان‌یافته کالای ممنوع، مرتکب علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۲۲ قانون، حسب ارزش کالای موضوع قاچاق، به ۹۱ روز تا شش ماه حبس، بیش از شش ماه تا دو سال حبس یا به حداکثر مجازات حبس مندرج در بندهای پ و ت ماده ۲۲ محکوم می‌شود. بر این اساس، در مورد کالاهای ممنوع تا ۱۰ میلیون ریال اصولاً به استثنای تبصره ۱ ماده ۲۲ در خصوص مشروبات الکلی، مجازات حبس پیش‌بینی نشده است. در صورت ارتکاب به‌نحو سازمان‌یافته، مجازات حبس نیز لحاظ شده است و در صورتی که ارزش کالای قاچاق ممنوع بیش از ۱۰ میلیون ریال باشد، حسب مورد مرتکب به حداکثر مجازات حبس مقرر در بندهای پ و ت، یعنی دو یا پنج سال حبس محکوم می‌شود.

در مورد قاچاق کالاهای غیرممنوع، کالاهای مجاز، مجاز مشروط، یارانه‌ای یا ارز، در صورت ارتکاب به‌نحو سازمان‌یافته، مشمول ماده ۲۹ قانون می‌شود. قانون‌گذار اصولاً از مجازات حبس بهره‌نگرفته و اکتفا به ضبط کالا و ارز موضوع قاچاق و جریمه نقدی بسنده نموده است. لیکن به‌موجب حکم ماده مذکور، مرتکب علاوه بر مجازات‌های مقرر در ماده ۱۸ قانون، حسب ارزش کالا یا ارز موضوع قاچاق به ۹۱ روز تا شش ماه حبس، «بیش از شش ماه تا دو سال حبس»، «دو سال تا پنج سال حبس» یا «پنج سال حبس» محکوم می‌شود. ابهامی که در مقایسه مواد ۲۸ و ۲۹ مطرح می‌شود، آن است که در برخی از موارد، قانون‌گذار مجازات قاچاق کالاهای غیرممنوع را تابع مجازات مقرر برای قاچاق کالای ممنوع دانسته است (مانند مواد ۲۵، ۲۶ و برخی از موارد مذکور در ماده ۲۷). سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود، آن است که ارتکاب این موارد

به‌نحو سازمان‌یافته تابع کدام‌یک از مواد ۲۸ و ۲۹ قانون می‌شود؟^۱ در این خصوص یک دیدگاه می‌تواند آن باشد که در خصوص ارتکاب این موارد به‌نحو سازمان‌یافته، خلأ قانونی وجود دارد و در نتیجه، ارتکاب آنها به‌نحو سازمان‌یافته موجب تشدید نمی‌شود. لیکن اشکال این دیدگاه در آن است که قانون‌گذار برای موارد اخف از این موارد، ارتکاب به‌نحو سازمان‌یافته را پیش‌بینی نموده و مجازات را تشدید کرده است و به قیاس اولویت در خصوص این موارد، امکان تشدید وجود دارد. دیدگاه دیگر می‌تواند آن باشد که با توجه به ماهیت غیرممنوع این کالاها، ظاهر ماده ۲۹ و تفسیر به‌نفع مرتکب، شخص به‌موجب ماده ۱۸ (و نه ۲۲) و ۲۹ مجازات شود.

یکی دیگر از ابهامات موجود در خصوص مواد ۲۸ و ۲۹ آن است که آیا تشدید مجازات صرفاً ناظر به عضویت است که خود شخصاً مرتکب رفتار قاچاق می‌شود یا تشدید در خصوص دیگر اعضای گروه سازمان‌یافته نیز می‌شود؟ در مواد ۲۸ و ۲۹، قانون‌گذار از واژه «مرتکب» استفاده کرده و ظهور این واژه بر مرتکب قاچاق دارد. برخی بر این اساس بیان داشته‌اند که چه‌بسا ممکن است تنها یک نفر (مرتکب) به مجازات‌های موضوع این مواد محکوم شود (ثالث مؤید و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۸). لیکن می‌بایست مرتکب را شخصی دانست که عضو گروه سازمان‌یافته‌ای شده که گروه مرتکب قاچاق سازمان‌یافته شده است. براساس این برداشت، هر عضو گروه، صرف نظر از نقشی که در ارتکاب رفتار قاچاق دارد، فاعل، شریک یا معاون مرتکب محسوب می‌شود. لیکن در خصوص کسانی که در ارتکاب قاچاق سازمان‌یافته نقش سازماندهی، هدایت یا سردستگی دارند، قانون‌گذار در تبصره مواد ۲۸ و ۲۹، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری را اتخاذ نموده و بر حسب نوع کالا و ارزش آن، حداکثر مجازات مقرر در بندهای الف و ب مواد مذکور را در خصوص آنها مقرر کرده است. این سیاست با توجه به ناتوانی و ناکارآمدی ترتیبات سنتی حقوق جزا در اثبات مسئولیت کیفری اعضا و به‌ویژه رهبران گروه و اعمال مجازات‌های مقتضی نسبت به آنها (بیابانی، ۱۳۸۷: ۶۹) می‌تواند سیاستی درست و منطقی باشد.

در ماده ۲۹ که در خصوص کالای غیرممنوع است، قانون‌گذار تصریح می‌نماید که مرتکب به مجازات‌های مقرر در ماده ۱۸ محکوم می‌شود. این مجازات‌ها در وهله نخست جریمه نقدی نسبی است که بر حسب نوع کالا و رفتار مرتکب، میزان آن متفاوت است. قانون‌گذار در عمده موارد

۱. البته در این خصوص برخی بر این نظر هستند که این موارد اساساً ممنوع بوده و در نتیجه تابع احکام مقرر برای قاچاق کالای ممنوع هستند. در صورت پذیرش این دیدگاه که البته برخلاف ظاهر مواد ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قانون می‌باشد، حداقل در خصوص موضوع بحث حاضر، ابهام برطرف شده و حالت ارتکاب به‌نحو سازمان‌یافته موضوع مشمول ماده ۲۸ می‌شود. اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۱۹۲۳/۹۴/۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۱۲، مطلق بزه‌های مقرر در مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را به جهت ممنوع بودن، در صلاحیت دادگاه انقلاب دانسته است.

میزان آن را در قالب حداقل و حداکثر پیش‌بینی نموده که اختیار دادگاه در تعیین جزای نقدی بین حداقل و حداکثر در خصوص قاچاق سازمان‌یافته نیز به قوت خود باقی است. در مواردی که به موجب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بزه قاچاق ارتكابی منتسب به شخص حقوقی است، قانون‌گذار در خصوص قاچاق سازمان‌یافته رویکرد افتراقی پیش‌بینی نموده است. به موجب ماده ۶۷، شخص حقوقی علاوه بر جزای نقدی معادل دو تا چهار برابر حداکثر جریمه نقدی مقرر برای شخص حقیقی، به مجازات انحلال محکوم می‌شود و این مجازات در همان مرتبه اول ارتكاب قاچاق توسط اشخاص حقوقی و صرف‌نظر از موضوع قاچاق و ارزش آن قابل اعمال است (رستمی غازی و رحمانی فرد، ۱۴۰۰: ۱۴۸-۱۴۹).

در آخرین اراده مقنن در مورد این قانون تبصره الحاقی به ماده ۶۳ مصوب ۱۴۰۰ مقرر داشته: «چنانچه جرائم یا تخلفات موضوع این قانون به تنهایی یا با در نظر گرفتن دیگر جرائم یا تخلفات این قانون به‌نحو سازمان‌یافته ارتكاب یافته باشد، هر یک از اعضای گروه سازمان‌یافته به حداکثر مجازات مقرر برای رفتار ارتكابی خود محکوم می‌شوند در هر مورد که مجازات فاقد حداقل حداکثر باشد نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌گردد. در صورتی که قاچاق به تنهایی، به‌نحو سازمان‌یافته ارتكاب یافته باشد وفق مواد (۲۸) و (۲۹) این قانون عمل خواهد شد».

۲-۲. توسعه دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تشدید مجازات آنان

تشدید مجازات اشخاص حقوقی به معنای اعمال مجازات‌های سنگین‌تر و شدیدتر بر نهادهای حقوقی در مواردی است که مرتکب جرم شده‌اند. این رویکرد به دنبال ایجاد بازدارندگی و اطمینان از رعایت قوانین توسط اشخاص حقوقی است. تشدید مجازات اشخاص حقوقی در نظام‌های حقوقی مختلف به شیوه‌های متفاوتی انجام می‌شود.

با توجه به دخالت گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته در جرایم اقتصادی و نظر به اینکه این گروه‌ها می‌توانند در قالب اشخاص حقوقی در برخی کشورها به ثبت برسند یا حتی جزو اشخاص حقوقی حقوق عمومی باشند، مسئولیت کیفری شخص حقوقی در برخی اسناد بین‌المللی نظیر ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو و ماده ۲۶ کنوانسیون مریدا پذیرفته شده است (جوانمرد، ۱۳۹۷: ۲۳۲). در ادامه تحت تأثیر اندیشه‌های انتقادی به‌ویژه دهه ۷۰ میلادی موضوع قبول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در پرتو سه بنیان منفعت اجتماعی، اقتضای عدالت و مصلحت عامه اهمیت بیشتری پیدا کرد و جایگاه خود را در سیاست جنایی تقنینی کشورهای پیشرو به‌لحاظ حقوقی پیدا کرد (جعفری، ۱۳۹۵: ۲۷).

به‌عنوان یک قاعده عام و برای اولین بار ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مبتنی بر دو اصل مجرمیت عاریه‌ای و اصل مسئولیت هم‌زمان شخص حقیقی و حقوقی مورد تأکید قرار داد. این ماده مقرر می‌دارد: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به‌نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت (کیفری) اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست. در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده مذکور مسئول شناخته شود، مطابق ماده ۲۰ همین قانون با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود که البته این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست.

افتراقی شدن نظام دادرسی به اعتبار شخصیت مرتکب، ویژگی‌های خاص شخص حقوقی و عدم امکان اجرای برخی آیین و مقررات دادرسی در خصوص آنها می‌باشد که به ناچار قانون‌گذار آیین خاصی را برای رسیدگی به جرایم اشخاص مذکور مقرر نموده است. از جمله این که عملاً جلب اشخاص حقوقی امکان‌پذیر نیست و هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا نماینده قانونی یا وکیل خود را جهت تبیین اتهام معرفی نماید و در صورت دلیل کافی مبنی بر توجه اتهام به شخص حقوقی، به‌نحو مقتضی قرارهای خاصی از جمله قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی یا قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی صادر می‌گردد (بیگی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۳).

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز قانون‌گذار برای اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری قائل شده است. اگر قاچاق توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد، مرجع صدور حکم نسبت به ضبط کالا یا ارز قاچاق مکشوفه اقدام می‌کند و شخص حقوقی، علاوه بر محکومیت به جزای نقدی، حسب مورد به دو تا چهار برابر حداکثر جریمه مقرر برای شخص حقیقی به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

«الف) در مورد قاچاق کالای غیرممنوع و ارز در مرتبه اول ممانعت از فعالیت شخص حقوقی از یک تا دو سال و در مرتبه دوم انحلال شخص حقوقی؛

ب) در مورد قاچاق کالای ممنوع یا سازمان‌یافته انحلال شخص حقوقی».

در تبصره ۱ ماده ۶۷ نیز پیش‌بینی شده است که «افراد موضوع این ماده محکومیت قطعی می‌یابند و تا پنج سال مجاز به تأسیس و مشارکت در اداره شخص حقوقی نیستند.» با توجه به استفاده قانون‌گذار از واژه «افراد»، این تبصره ناظر به اشخاص حقیقی است و این در حالی است که حکم خود ماده ناظر به مجازات اشخاص حقوقی است. به نظر می‌آید که تبصره ناظر به اشخاصی است که رفتار آنان موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده و بدیهی است که این

شخص لزوماً باید نماینده قانونی شخص حقوقی بوده و ارتکاب بزه به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی باشد (رستمی غازانی، ۱۴۰۱: ۱۵۶).

تبصره ۳ ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر داشته که چنانچه «منافع حاصل از قاچاق به شخص حقوقی تعلق یابد و یا برای تأمین منافع شخص حقوقی به قاچاق اقدام گردد، جریمه‌ها از محل دارایی شخص حقوقی وصول می‌شود». در واقع بر خلاف قسمت اخیر ماده ۱۴۳ در این جا مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب است. عجیب آن که تبصره یک ماده ۶۷ برای افراد موضوع این ماده محکومیت قطعی قائل شده و تا پنج سال آن‌ها را از تأسیس و مشارکت در اداره شخص حقوقی محروم نموده است (پاک‌نیت، ۱۳۹۸: ۶۱۵-۶۱۶). سؤالی که در این جا مطرح می‌شود آن است که منظور تبصره از این که افراد موضوع این ماده محکومیت قطعی می‌یابند، چیست؟ با توجه به این که حکم محکومیت شخص حقوقی مانع از صدور حکم محکومیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست، یک برداشت ممکن است آن باشد که حکم صادره در خصوص اشخاص حقیقی مرتکب جرم قطعی بوده و قابلیت تجدیدنظرخواهی را ندارد، لیکن این نظر با ظاهر تبصره سازگار نیست؛ چراکه تبصره به قطعیت حکم اشاره نمی‌کند بلکه قطعیت محکومیت را بیان می‌دارد و در واقع باید آن را به معنای ممنوعیتی جهت اعمال تعلیق مجازات دانست که با قطعیت اجرای مجازات منافات دارد.

می‌توان گفت در تبصره ۱ ماده ۶۷ افراد موضوع این ماده منصرف از مدیران شخص حقوقی است. عجیب‌تر این که علت و منظور از قطعی محسوب کردن محکومیت این افراد هم مشخص نیست؛ آیا منظور، غیر قابل تجدیدنظر بودن آرای مربوط به ایشان است که منطقی نیست!^۱ به موجب قسمت دوم تبصره نیز اشخاص حقیقی مورد بحث، تا پنج سال مجاز به تأسیس و مشارکت در اداره شخص حقوقی نیستند که این ممنوعیت هم ناظر به شخص حقوقی متهم و نیز دیگر اشخاص حقوقی می‌باشد. با توجه به اینکه این مجازات از نوع مجازات اصلی می‌باشد، مرجع صادرکننده حکم باید محرومیت اشخاص را در حکم خود تصریح نماید.

صدر ماده ۶۷ صرفاً در مورد ارتکاب قاچاق توسط شخص حقوقی است و بر خلاف ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۷۴۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات در خصوص افراد مباشر ساکت است. لذا معلوم نیست آیا منظور قانون‌گذار نماینده قانونی یا مدیر شخص حقوقی است یا یکی از کارکنان شخص حقوقی هم‌چون بند ج ماده ۷۴۷ قانون فوق‌الذکر نیز می‌تواند مباشر

۱. یا اینکه ایراد انشایی قانون‌گذار مخاطب را به اشتباه می‌اندازد؟ به این ترتیب که شاید واژه که قبل از عبارت محکومیت قطعی می‌یابند از قلم افتاده است! در این صورت واژه «و» بعد از این جمله و عبارت پس از آن را چگونه می‌توان معنا نمود؟.

قاچاق محسوب شده و علاوه بر مسؤولیت خود، سبب مسؤولیت کیفری شخص حقوقی را نیز فراهم آورد؟ جالب این‌جا است که تبصره ۴ ماده ۶۷ مدیر شخص حقوقی را مشمول قانون مجازات اسلامی قرار داده است!

۳-۲. ممنوعیت اعمال نهادهای ارفاقی کیفری

به‌منظور تأمین هرچه بهتر اهداف مجازات، وجود ابزاری دقیق و کارساز جهت فردی‌سازی آن اجتناب‌ناپذیر است. نهادهای ارفاقی کیفری هم‌چون تخفیف و تعلیق نیز در این چارچوب قابل توجیه است؛ لیکن ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق، تخفیف و تعلیق جریمه نقدی را ممنوع ساخته است. ممنوعیت تخفیف و تعلیق جزای نقدی به‌معنای جلوگیری از کاهش یا به‌تعویق انداختن پرداخت جریمه‌های نقدی است که به‌عنوان مجازات تعیین شده‌اند. این ممنوعیت‌ها با هدف تقویت اثر بازدارندگی مجازات‌ها و تضمین اجرای کامل عدالت صورت می‌گیرد.

اگر چه ممنوعیت تعلیق مجازات حبس و شلاق در جرایم قاچاق کالای ممنوعه و حرفه‌ای و سازمان‌یافته با توجه به خطرناک بودن آن برای جامعه توجیه می‌شود، لیکن سخت‌گیری قانون‌گذار در ممنوعیت تخفیف و تعلیق در سایر موارد قاچاق کالا و ارز آن هم بدون توجه به میزان ارزش کالا و ارز قاچاق، قابل پذیرش نیست. خصوصاً این‌که در جریمه‌های نقدی سنگین که معمولاً با ضبط وسیله نقلیه هم همراه است، محکوم علیه عملاً در امرار معاش روزمره خود و خانواده‌اش مشکلات جدی پیدا می‌کند (پاک‌نیت، ۱۳۹۸: ۶۱۶).

سقف حبس بدل از جزای نقدی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بر خلاف قانون مجازات اسلامی ۱۵ سال است و ممنوعیت تخفیف و تعلیق جریمه نقدی فردی که از پرداخت آن عاجز است، منجر به حبس او تا مدت طولانی خواهد بود که جز تحمیل هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی برای جامعه ثمره دیگری ندارد. اساساً صرف عدم رعایت تشریفات قانونی ورود و خروج کالا و ارز توسط افراد جامعه خصوصاً در موارد قاچاق در سطح عرضه و خرده‌ریز، چنان‌حال خطرناکی محسوب نمی‌شود که مرتکب آن را شایسته تخفیف و تعلیق ندانیم.

در خصوص برخی از جرایم اقتصادی، سیاست کیفری تقنینی مرتکبین را از برخی نهادهای ارفاقی با هدف اثربخشی بهتر و مؤثرتر حتمیت و قطعیت مجازات و شدت برخورد و بازدارندگی بیشتر محروم ساخته است. در سطح قوانین عام ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرایم زیر و شروع به آن‌ها قابل تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات نیست...ج- جرایم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون ریال». ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم (تعزیرات) اصلاحی ۱۳۸۷ بعد از جرم‌انگاری وارد

کردن مشروب الکلی به کشور به عنوان قاچاق در تبصره ۳ مقرر می‌دارد: «دادگاه نمی‌تواند تحت هیچ شرایطی حکم به تعلیق اجراء مجازات بدهد^۱». نمونه دیگر تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ است که مقرر داشته: «هیچ‌یک از مجازات‌های مقرر در این قانون قابل تعلیق نبوده و همچنین اعدام و جزایهای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم قابل تخفیف یا تقلیل نمی‌باشد».

در سطح چشم‌انداز تقنینی در ماده ۱۸ طرح مبارزه با جرایم اقتصادی مصوب ۱۳۹۹ آمده است: «اعمال مقررات راجع به نهادهای ارفاقی از جمله: تعقیب مرور زمان، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، معافیت از مجازات، تعیین مجازات جایگزین حبس، نظام نیمه‌آزادی، آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و یا قرار بایگانی پرونده در جرائم اقتصادی در صلاحیت سازمان ممنوع می‌باشد». همچنین تبصره ۴ ماده ۲ طرح اصلاح قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۴۰۰ مقرر داشته: «در کلیه جرایم موضوع بندهای الف، ب و پ ماده (۲) این قانون استفاده از نهادهای ارفاقی از قبیل تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط ممنوع است...».

پیش از این، به موجب ماده ۷۱ قانون جزای نقدی، در مطلق بزه قاچاق (اعم از سازمان‌یافته و غیر آن) قابلیت تخفیف و تعلیق مجازات حبس و شلاق وجود نداشت. همچنین در قاچاق سازمان‌یافته و قاچاق کالاهای ممنوعه و قاچاق حرفه‌ای، مجازات‌ها قابل تعلیق نبودند. براساس مفهوم مخالف ماده مذکور، دیگر مجازات‌های مقرر برای اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول استثنائات و محدودیت‌های مقرر برای تخفیف و تعلیق مجازات نبوده و مطابق عموماً، قابلیت تخفیف یا تعلیق را داشتند (رستمی غازانی و رحمانی‌فرد، ۱۴۰۰: ۱۴۹). لیکن با توجه به ماده ۶۳ اصلاحی سال ۱۴۰۰، در شرایط کنونی در تمامی موارد قاچاق (اعم از قاچاق سازمان‌یافته و غیر آن) امکان تعلیق اجرای مجازات و دیگر نهادهای ارفاقی مانند تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم، معافیت از کیفر، مرور زمان، توبه و بایگانی کردن پرونده وجود ندارد. با توجه به اشاره نکردن ماده ۶۳ اصلاحی به موضوع تخفیف مجازات، ضوابط مقرر در مواد ۷۱ و ۷۲ قانون در خصوص

۱. مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۷۸-۱۳۹۸/۰۳/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور «نظر به این که بر حسب مستفاد از بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ جرایم مذکور در ماده ۷۰۲ اصلاحی قانون مجازات اسلامی (تجزیرات) مصوب ۱۳۸۷ داخل در عنوان قاچاق نیست، بنابراین از شمول بند ت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل تعلیق نبودن قاچاق عمده مشروبات الکلی خارج است، از این رو اجرای مجازات این جرایم با رعایت شرایط مقرر در ماده ۴۶ قانون اخیر قابل تعلیق است. به بیان دیگر تبصره سوم الحاقی به ماده ۷۰۳ تجزیرات مصوب ۱۳۸۷ به حکم ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به طور ضمنی نسخ شده است. مقرر در مواد (۷۰۲) و (۷۰۳) صادر نمایده».

تخفیف مجازات به قوت خود باقی است. بر این اساس، جزای نقدی به صورت مطلق قابلیت تخفیف را ندارد.

استثنایی که در این خصوص وجود دارد، موارد مقرر در ماده ۷۲ قانون است. یکی از موارد استثنای مذکور به موجب این ماده، حالتی است که شخص مرتکب قاچاق در مراحل تحقیقات مقدماتی با اقرار خود، موجبات دستگیری سرشبهه‌های قاچاق را فراهم می‌کند. در این صورت، بنا به تشخیص مرجع رسیدگی کننده، ضمن ضبط کالا و یا ارز قاچاق، مرتکب از مجازات‌های مقرر در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز معاف شده یا در مجازات او تخفیف متناسب داده می‌شود. اشاره ماده ۷۲ به سرشبهه‌های قاچاق را می‌توان از تدابیر خاص قانون‌گذار به منظور جلب همکاری اعضای گروه سازمان‌یافته مرتکب قاچاق در جهت کشف و اثبات این جرم دانست (رستمی غزالی و رحمانی فرد، ۱۴۰۰: ۱۴۹).

ممنوعیت اعمال مقررات مربوط به تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم، معافیت از کیفر، تعلیق اجرای مجازات، مرور زمان، توبه و بایگانی کردن پرونده از جمله مهم‌ترین نهادهای ارفاقی کیفری است که در راستای جرائم و تخلفات قاچاق کالا و ارز ممنوع شده‌اند. از این رو در ماده ۶۳ (اصلاحی ۱۴۰۰) قانون صدرالذکر مقرر شده است: «تمامی احکام و قواعد عمومی مربوط به جرائم و تخلفات موضوع این قانون به غیر از موارد پیش‌بینی شده، مطابق قانون مجازات اسلامی است. مقررات مربوط به تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم، معافیت از کیفر، تعلیق اجرای مجازات، مرور زمان، توبه و بایگانی کردن پرونده در مورد جرائم و تخلفات موضوع این قانون اعمال نمی‌گردد. در خصوص پرونده‌های با ارزش بیشتر از ده میلیارد ریال، سازمان یافته، حرفه‌ای، بند «ت» ماده (۲۲) و یا ماده (۳۵) این قانون و تبصره‌های آن، اعمال احکام مواد (۱۸۰) و (۲۳۷) قانون آیین دادرسی کیفری جایز است». همچنین «نهادهای ارفاقی کیفری» هم‌چون تخفیف و تعلیق نیز در این چارچوب قابل توجیه است؛ لیکن ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق تخفیف و تعلیق جرمه نقدی را ممنوع ساخته است.

بنابراین کیفرگذاری افتراقی در زمینه قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یک رویکرد نوین در نظام‌های حقوقی، تلاش می‌کند با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص هر مجرم، مجازات‌هایی عادلانه‌تر و مؤثرتر تعیین کند. این رویکرد می‌تواند به افزایش عدالت، کاهش تکرار قاچاق کالا و ارز و بهبود بازپروری قاچاقچیان کمک کند، اما در عین حال با چالش‌هایی نیز مواجه است که نیازمند توجه و مدیریت دقیق است.

نتیجه گیری

افتراقی شدن قاچاق کالا و ارز در سیاست کیفری تقنینی ایران، نشان‌دهنده رویکردی دوگانه در جرم‌انگاری و کیفرگذاری این جرایم است. بررسی ابعاد مختلف این سیاست کیفری حاکی از آن است که توسعه جرم‌انگاری در حوزه قاچاق کالا و ارز با تفکیک میان جرم و تخلف، احاله به قوانین خاص و جرم‌انگاری قاچاق سازمان‌یافته، چارچوبی دقیق‌تر برای مقابله با این پدیده فراهم آورده است. در این راستا، سیاست کیفری تقنینی ایران با در نظر گرفتن ماهیت سازمان‌یافته قاچاق، اقدام به تشدید مجازات‌ها کرده و دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را گسترش داده است. در حوزه کیفرگذاری افتراقی، سازمان‌یافتگی جرایم قاچاق به‌عنوان معیاری برای تشدید مجازات‌ها مدنظر قرار گرفته است. همچنین توسعه دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تشدید مجازات آن‌ها، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری را در قبال قاچاق ساختاریافته نشان می‌دهد. علاوه بر این، ممنوعیت اعمال نهادهای ارفاقی کیفری، همچون تعلیق مجازات و آزادی مشروط، بیانگر سیاست سرکوب‌گرایانه قانون‌گذار در برخورد با این جرایم است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد هرچند سیاست کیفری افتراقی در حوزه قاچاق کالا و ارز توانسته است چارچوب‌های قانونی را برای مقابله مؤثر با این پدیده تقویت کند، اما اجرای صحیح و دقیق این سیاست‌ها مستلزم نظارت مستمر، هماهنگی بین نهادهای اجرایی و قضایی و اصلاح برخی کاستی‌های قانونی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود ضمن حفظ ساختار افتراقی جرم‌انگاری و کیفرگذاری، سازوکارهای کنترلی و اجرایی نیز به‌گونه‌ای اصلاح شوند که از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شده و کارآمدی نظام کیفری در مقابله با قاچاق کالا و ارز افزایش یابد.

کتابنامه

- بشیریه، تهمورث (۱۳۸۹). حواله کیفری (بررسی کیفر موضوع ماده ۵۱۶ قانون مجازات اسلامی). *مجله آموزه‌های حقوقی*، ۱۶.
- بهره‌مند، حمید؛ ساکیانی، زهرا (۱۴۰۰). تصمیم‌گیری مجرمان از منظر اقتصاد رفتاری و دلالت‌های آن در سیاست‌گذاری کیفری. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۵ (۱۱۵).
- بیابانی، غلامحسین (۱۳۹۷). جرایم سازمان‌یافته و چالش‌های آینده. *فصلنامه کارآگاه*، ۵.
- بیگی‌زاده، بهروز؛ مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۸). کاربست آیین دادرسی کیفری افتراقی نسبت به اشخاص حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۸ (۲۹).
- پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۸). افتراقی شدن سیاست کیفری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز:

- جلوه‌ها و چالش‌ها. *دایره‌المعارف علوم جنایی*، کتاب چهارم (علوم جنایی تجربی) زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، ایران، تهران: انتشارات میزان.
- ثالث موید، احمدعلی؛ آزادفر، محمدصادق؛ جوادیان، سیدمحمدحسن (۱۳۹۷). مبانی مسؤلیت کیفری در جرم قاچاق سازمان یافته مبتنی بر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز. *فصلنامه کارآگاه*، ۴۳.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۵). مبانی و اصول مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱۴.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۷). *جرایم سازمان یافته فراملی*. ایران، تهران: انتشارات جنگل.
- جوانمرد، بهروز؛ شفیعی خورشیدی، علی اصغر (۱۴۰۱). *حقوق کیفری اقتصادی*. ایران، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۳۹۲). نگاهی بر محدودیت‌ها موانع و نواقص قانونی کنترل جرایم اقتصادی در ایران، *دایره‌المعارف علوم جنایی*، کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- رستمی غازانی، امید (۱۴۰۱). *آیین دادرسی افتراقی بزه قاچاق کالا و ارز*. ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- رستمی غازانی، امید؛ رحمانی فرد، محسن (۱۴۰۰). سیاست کیفری افتراقی در قبال قاچاق کالا و ارز سازمان یافته. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۶ (۱۲۰).
- میرمحمدصادقی، حسین؛ عدومی زاده، محمدرضا (۱۳۹۷). قاچاق سازمان یافته کالا در حقوق کیفری ایران. *دوفصلنامه آموزه‌های حقوقی گواه*، ۷.
- میرمحمدصادقی، حسین؛ لکی، زینب (۱۳۹۸). رویکردی نوین بر ارجاع کیفری در پرتو اصل وصف گذاری منصفانه. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۷ (۲۷).
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶). *تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره دکتری، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران*.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵). *درباره سیاست جنایی افتراقی. دیباچه درآمدی بر سیاست جنایی، تألیف کریستین لازرژ، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان*.